

سخن سردبیر

مدیریت بر مبنای عدالت

واژه عدالت همواره در طول تاریخ مورد توجه اندیشمندان و مصلحان بوده و در معارف الهی و بشری در تمامی حوزه‌های فکری، فرهنگی، سیاسی، حقوقی، اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی و مانند آن قابل بحث است. بهترین تعریف عدالت را در کلمات گهربار امام علی (ع) به عنوان جانشین پیامبر اسلام (ص) می‌توان دید. امام علی (ع) می‌فرماید: «الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مواضعها»: «عدل، هر چیزی را در جای و محل خود قرار می‌دهد». پیامبر (ص) نمونه فردی بود که در طول حیاتش با دیگران به عدالت رفتار، و دیگران را نیز به آن ترغیب می‌کرد. در رفتار عادلانه پیامبر اسلام (ص) همین بس که در واپسین روزهای حیات خویش در مسجد مدینه فرمود: «هر کس نزد من حقی دارد، برخیزد و قصاص کند». امام علی (ع) عدالت را «تدبیر عمومی مردم» می‌داند (الْعَدْلُ سَائِسٌ عَامٌّ) (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷). از دیدگاه امام علی (ع)، عدل بر چهار پایه برقرار است: فکری ژرف‌اندیش، دانش عمیق و به حقیقت رسیده، نیکو داوری کردن و استوار بودن در شکیبایی؛ پس کسی که درست اندیشید به ژرفای دانش رسید و آن کس که به حقیقت دانش رسید از چشمه زلال شریعت نوشید و کسی که شکبیا شد در کارش زیاده‌روی نکرده با نیکنمایی در میان مردم زندگی خواهد کرد (نهج البلاغه، حکمت ۳۱).

از دیدگاه امام خمینی (قدس سره)، در حکومت اسلامی، «عدالت» اصل و قاعده‌ای است که دیگر کارها باید بر آن منطبق باشد و تخلف از آن، خروج از دایره حکومت اسلامی به شمار می‌رود. ویژگی‌های اصلی عدالت در اندیشه امام خمینی (قدس سره) عبارت است از: مساوات در برابر قانون، اعطای حقوق مردم و نفی امتیازات طبقاتی^۱.

قرآن کریم، خداوند متعال را عادل می‌داند و انسانها را به عدالت امر می‌کند: "إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ وَإِنْ تَكَئُ حَسَنَةً يُضَاعِفْهَا وَيُؤْتِ مِنْ لَدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا": در حقیقت، خدا به مقدار ذره‌ای ستم نمی‌کند (تمام رفتارهایش بر اساس عدل است) و اگر [آن ذره، کار] نیکی باشد دو چندانش می‌کند و از نزد خویش پاداشی بزرگ می‌بخشد (نساء/۴۰). وَ أَقْسَطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ":

۱ - نوحی، حمیدرضا (۱۳۸۶). قواعد فقهی در آثار امام خمینی (قدس سره). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (قدس سره)، ص ۳ - ۳۲۳.

مطابق عدل عمل کنید؛ همانا خداوند دوست می‌دارد آنها را که طالب عدالت هستند (حجرات/۹). خداوند متعال در آیه ۱۳۵ سوره نسا می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید (در همه امورتان) به کمال و دوام، قیام‌کننده به عدل و گواهی‌دهنده برای خدا باشید؛ هر چند به زیان خودتان یا پدر و مادر یا نزدیکانتان باشد. اگر (هر یک از طرفین دعوا) توانگر یا فقیر باشد (شما به لحاظ حال آنها بر خلاف واقع گواهی ندهید؛ زیرا) خداوند به (رعایت حال) آنها سزاوارتر است؛ پس از هوای نفس پیروی نکنید تا از حق عدول نمایید و اگر زبان (به سوی باطل) پیچید یا (از گواهی) روی برتایید، همانا خداوند همواره به آنچه عمل می‌کنید آگاه است؛» لذا در اجرای عدالت باید ضوابط را بر روابط مقدم داشت و فقیر و غنی بودن طرفین نباید در عدالتگری افراد دخالت پیدا کند.

خداوند متعال در آیه ۱۵۲ سوره انعام می‌فرماید: وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ... «و هر گاه سخنی گوئید به عدالت گرایید؛ و هر چند درباره خویشاوندان باشد و...» یعنی بر اساس عدل سخن گوئید و به آن نیز وفادار باشید و پیامد سخن شما نیز کنش عادلانه باشد.

در اسلام اجرای عدالت نه تنها درباره دوست و در حال طبیعی، که درباره دشمن و در حال جنگ نیز مورد سفارش است: وَكُلًّا يَبْجُرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ آلَا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ (مائده/۸). این آیه اصرار دارد که دشمنی شما با قوم یا گروهی باعث نشود که به عدالت رفتار نکنید و تأکید می‌کند عدالت را پیشه خود سازید که آن به تقوی نزدیکتر است.

خداوند متعال، حکومت و داوری بر اساس عدل و قسط را در آیات قرآنی یادآور می‌شود و می‌فرماید: وَإِذَا حَكَّمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ: چون حاکم بین مردم شوید به عدالت داوری کنید (نساء/۵۸). وَإِنْ حَكَّمْتَ فَأَحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ: و اگر حکم کردی میان آنها به عدالت حکم کن (مائده/۴۲). در این آیات به حکومت و داوری و قضاومت بین مردم بر اساس عدل و قسط امر شده است.

برخی از مهمترین تعبیرهای مرتبط با عدالت در قرآن کریم عبارت است از: برپایی عدالت و عدالت‌ورزی (مائده/۸)، دوستداری عدالت‌ورزان (ممتحنه/۸)، تجارت عادلانه (هود/۸۵) و الرحمن/۹، رفتار عادلانه با نزدیکان (نحل/۹۰)، مبارزه با ظالمان (حجرات/۹)، برخورد عادلانه با زنان (نساء/۳ و ۱۲۹)، قضاوت عادلانه (مائده/۴۲ و یونس/۵۴)، برخورد عادلانه با یتیمان (نساء/۱۲۷)، خداوند، عادل مطلق (آل عمران/۸۱ و انعام/۱۱۵ و انبیاء/۴۷)، پیامبران، مجریان عدالت

(یونس/۴۷ و شوری/۱۵)، حکمرانی عادلانه (اعراف/۲۹ و نساء/۱۳۵)، قرآن، ترازوی عدالت (حدید/۲۵)، برتری افراد عادل (نحل/۷۶)، گفتار عادلانه (انعام/۱۵۲)؛ بنابراین ملاحظه می‌شود که عدالت در تمامی ابعاد و سطوح، مورد توجه اسلام است و باید در مدیریت سازمانها از اولویت بسیاری برخوردار باشد.^۱

نجم‌الدین رازی (۵۷۳ - ۶۵۴ هـ.ق)، زیادی خدم و حشم و جلال هر کشور و هرگونه پیشرفت و داشتن امکانات را برای برقراری کشور کافی نمی‌داند؛ بلکه روحی دیگر را در این کالبد جستجو می‌کند؛ روحی که هر اندازه کالبد و جسم بزرگتر و عظیم‌تر باشد، احتیاج و نیاز به آن بیشتر خواهد بود. توجه به عدالت، روح کالبد حکومت است که باید در تعامل دولتمردان و مردم رعایت شود.^۲

در آیه ۲۵ سوره حدید، برقراری عدالت، هدف بعثت همه پیامبران معرفی شده است. مقام و قداست عدالت تا آنجا والاست که پیامبران الهی برای آن مبعوث شده‌اند.^۳ در برخی آیات قرآن کریم، ویژگیها و وظایف مدیران جامعه اسلامی بیان شده است که در این میان به شرط عدالت و ایمان (انسان/۲۴، شعراء/۱۵۱)، شرط علیم و عدالت (محمد/۱۴) و شرط عدالت و تدبیر و توانایی (قصص/۲۶) می‌توان اشاره کرد. در آیه ۱۲۴ سوره بقره، عدالت پیشگی، ویژگی حتمی و ضروری و یا اصطلاحاً وتویی مدیران بیان شده است. *وَ إِذْ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ*: و چون ابراهیم را پروردگارش به کارهایی که او را بدانها امر فرمود بیازمود و وی را به انجام دادن آنها موفق ساخت، گفت من تو را پیشوای مردم قرار خواهم داد. ابراهیم گفت آیا از فرزندان من نیز کسی را پیشوای مردم قرار می‌دهی؟ فرمود امامت، عهد من است و عهد من به کسانی از فرزندان تو که ستمکارند نمی‌رسد. علامه طباطبایی در تفسیر گرانسنگ المیزان بیان می‌کند که: پیوند و قرابت نسبی نزد پروردگار معتبر نیست و امامت خاص کسی است که با عمل و شعور و صلاحیت و ایمان شایستگی آن را داشته باشد؛ پس امامت تنها برای کسانی از ذریه ابراهیم محقق می‌شود که شایستگی آن را داشته

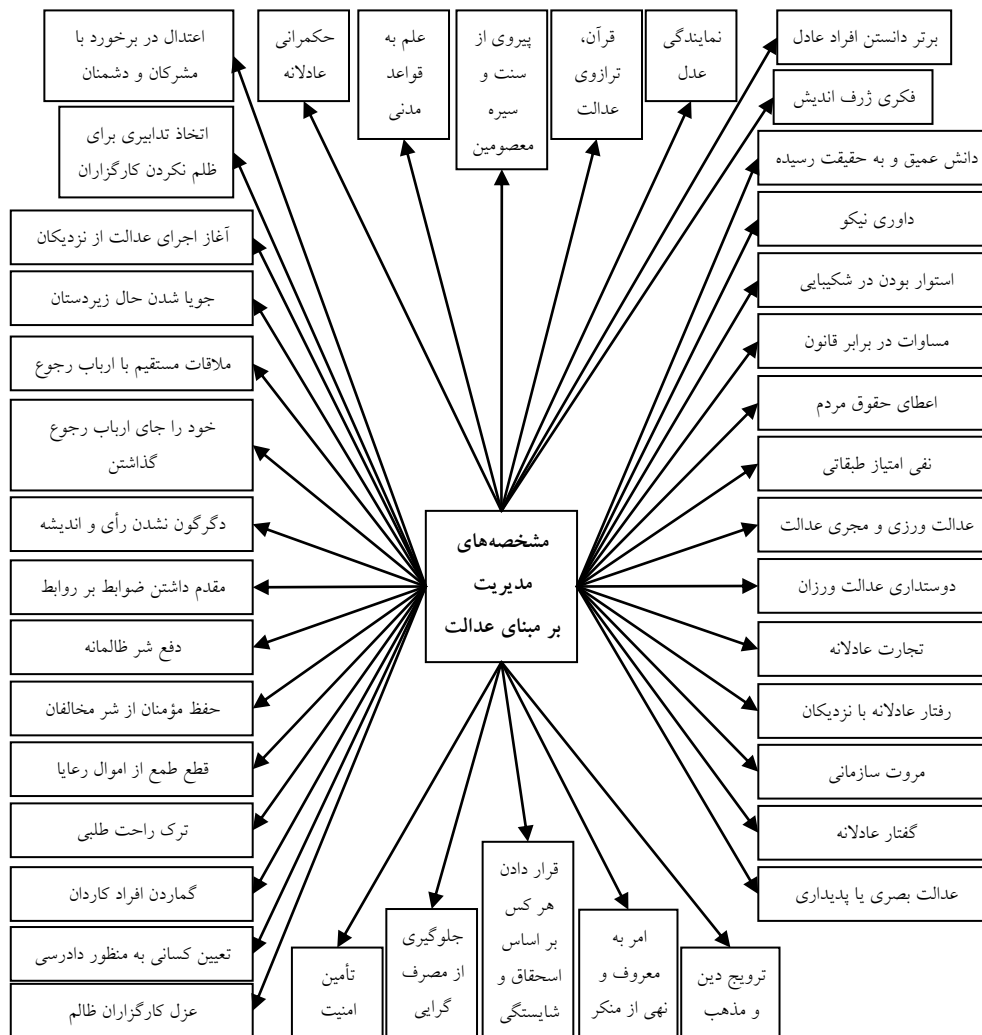
۱ - مقیمی، سید محمد (۱۳۹۳). اصول و مبانی مدیریت از دیدگاه اسلام. تهران: انتشارات راه دان، ص ۴۴۷ - ۴۴۸.
 ۲ - اخترشهر، علی؛ یوسفی‌راد، مرتضی؛ احمدی، عبدالرضا؛ شریفی، نصرالله (۱۳۸۷)، اندیشه سیاسی متفکران مسلمان. قم: مؤسسه بوستان کتاب، ص ۸۰.
 ۳ - مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). سیری در نهج‌البلاغه. تهران: انتشارات صدرا، ص ۱۱۰.

باشند؛ نه اینکه فقط به سبب قرابت امام شوند؛ یعنی امامت عهدی الهی است که بر ستمگران ممنوع است و ظلم و ستم اعم از هر ظلمی است؛ چه شرک و کفر باشد و چه معصیت که ظلم به نفس است و چه ظلم به زیر دستان. بنابراین امکان ندارد که در ساحت عهد الهی، کسی به مردم حکم براند که ظالم باشد یا سرپرست آنان فاسق باشد و خدا و مردم مؤمن به سرپرستی او راضی باشند. از آنجا که وجود امام برای امت لازم است، این امامی که سرپرستی او واجب است به عهد الهی منصوب می‌شود بر مسلمانان واجب است که از فعل و قول او پیروی کنند و هرگز از او جدا نشوند تا از راه خدا انحراف نیابند. براساس دیدگاه جلال‌الدین دوانی (۹۰۸-۸۳۰ ه.ق)، عدالت نه تنها بر تعاون و همکاری مبتنی است، بلکه شرط دیگر رعایت عدالت در رفتارها و روابط با یکدیگر، علم و معرفت از قواعد عدالت است تا حق هر کس در روابط با دیگری رعایت شود و چنین معرفتی حاصل نمی‌شود مگر افراد جامعه، علم به قواعد «علم مدنی» یابند. بنابراین شرط تحقق عدالت در جامعه این است که هم افراد جامعه و هم حکام، به چنین قوانینی علم داشته باشند تا هر کس به اندازه استحقاق خود از عدالت بهره‌مند شود.^۱

خداوند متعال در آیه ۹۰ از سوره مبارکه نحل می‌فرماید: ان الله یامر بالعدل والاحسان: همانا خداوند به عدل و احسان فرمان می‌دهد؛ لذا قرآن، انسان را به عدل فرا می‌خواند؛ عدلی که در فطرت او ریشه دارد. خداوند متعال در آیه ۸ سوره مائده می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید (در هر کار فردی و اجتماعی) قیام‌کننده استوار و دائم برای خدا و گواهان به عدل و قسط باشید و هرگز دشمنی با گروهی شما را بر آن ندارد که عدالت نکنید؛ عدالت کنید که آن به تقوا نزدیکتر است و تقوا پیشه کنید که همانا خداوند به آنچه می‌کنید آگاه است». امام علی(ع) حتی در رویارویی با زیردستانی که فاقد اعتقاد توحیدی هستند، ولی هم‌پیمان مسلمانان هستند، «سبک اعتدالی» را بهترین سبک رهبری معرفی می‌کند. براساس این سبک، مدیریت باید نرمی و درشتی یا نرمش و شدت عمل را با یکدیگر بیامیزد. امام علی(ع) در نامه ۱۹ خطاب به یکی از فرماندارانش (عمر بن ابی سلمه ارجبی)، که در فارس ایران حکومت می‌کرد، می‌نویسند: «همانا دهقانان مرکز فرمانداریت از خشونت، قساوت و تحقیر کردن مردم و سنگدلی تو شکایت کردند. من درباره آنها اندیشیدم. نه آنان را شایسته نزدیک شدن یافتیم؛ زیرا مشرکند و نه سزاوار قساوت و سنگدلی و

۱ - یوسفی‌راد، مرتضی (۱۳۸۷). اندیشه سیاسی جلال‌الدین دوانی. قم: مؤسسه بوستان کتاب، ص ۱۱۲ و ۱۱۳

بدرفتاری هستند زیرا با ما هم پیمانند؛ پس در رفتار با آنان، نرمی و درشتی را به هم آمیز؛ رفتاری همراه با شدت و نرمش داشته باش. اعتدال و میانه‌روی را در نزدیک کردن یا دور کردن، رعایت کن» (نهج البلاغه، نامه ۱۹).



ویژگیهای مدیریت بر مبنای عدالت مبتنی بر آیات و روایات و دیدگاه اندیشمندان مدیریت اسلامی

از دیدگاه ابوریحان بیرونی، همان‌طور که عدالت، ناموس آفرینش و هستی است، هدف و غایت حکومت و نظام اجتماعی نیز به‌شمار می‌رود که باید از سوی حاکمان عادل محقق شود. به نظر بیرونی برای اداره جامعه، اجرای عدالت حاکم عادل موضوعیت دارد و نه صرف عدالت. ابوریحان مفهوم عدالت را تا سر حد عالیترین فضیلت فردی و اجتماعی ارتقا می‌دهد؛ از این رو عدالت اقتصادی و سیاسی را بالاترین فضایل و کمالات جامعه تلقی می‌کند که حکومت متکفل تأمین آن است و مهمترین کار ویژه حکومت حضرت مهدی (عج) را اجرای عدل و داد می‌داند؛ بدین ترتیب، غایت حکومت، عدالت‌گستری است. وی زمانی که از لزوم خزانه‌داری برای حکومت بحث می‌کند، خزانه را انباشت سرمایه نمی‌داند، بلکه از آن به عنوان ثروت عمومی برای استقرار مساوات و عدالت اجتماعی و از بین بردن فقر و شکاف اقتصادی نام می‌برد. از دیدگاه بیرونی، پیشوایی موفق است که بتواند با کسب دانایی و بینش صحیح، نماینده عدل باشد؛ از این رو عقل چیزی جز عدل نیست و رهبر شایسته کسی جز «مجرى عدالت» نیست. به زعم وی، اگر زمامداران عادل باشند، قلبها به سوی آنان جذب می‌شود و این تضمین‌کننده ثبات ارکان حکومت است و موجب پیوند محکم بین شهروندان و شهروندان می‌گردد؛ چون اگر غیر از این باشد، جامعه پراکنده و با حاکمیت معارض می‌شود و برای آرمانها و خواستههای خود به خشونت متوسل می‌گردد. از نظر بیرونی، اگر دولتی صفت عدالت را نداشته باشد و هدفش امنیت، آسایش، آبادانی و رفع ظلم از رعیت نباشد، دولت غیر مشروع و «دولت فرعونى» است^۱.

از دیدگاه محقق سبزواری فواید عدل برای حاکمان فراوان است. اگر آنان عدالت را رعایت کنند، نه اینکه فقط به مردم سود می‌رسانند، بلکه قبل از آن، خود سود می‌برند. از دیدگاه وی از جمله فواید عدالت عبارت است از:

- به دست آوردن خشنودی و رضایت خداوند
- به دست آوردن درجات اخروی و نجات از عذاب
- دوام و بقای دولت
- از آنجا که رعایا و زیردستان امانت خدا هستند، رعایت عدالت، حفظ امانت است
- کسب نام نیکو

- به دست آوردن دعای خیر مردمان و زیردستان
- آثار و برکات عدل به اولاد و اعقاب سرایت می کند و ظلم باعث قطع نسل می شود.
- عدل باعث معموری و آبادانی ملک می شود^۱.

امام علی (ع) در نامه ۲۷ خطاب به محمد بن ابی بکر، فرماندار مصر، ضرورت رعایت «عدالت بصری (چشمی)» یا «پدیداری (عدالت غیر کلامی)» را یادآور می شود و می فرماید: «در نگاه هایت و در نیم نگاه و خیره شدن به مردم به تساوی رفتار کن تا بزرگان در ستمکاری تو طمع نکنند و ناتوانها در عدالت تو مأیوس نگردند» (نهج البلاغه، نامه ۲۷).

امام علی (ع) هم چنین در نامه ۵۹ خطاب به یکی از فرماندهان لشکر خود، دگرگون نشدن رأی و اندیشه مدیر را لازمه عدالت معرفی، و می فرماید: «اگر رأی و اندیشه زمامدار دچار دگرگونی شود، او را از اجرای عدالت بسیار باز می دارد. پس باید که کار مردم در آنچه حق است نزد تو یکسان باشد؛ زیرا در ستمکاری بهایی برای عدالت یافت نمی شود» (نهج البلاغه، نامه ۵۹).

امام علی (ع) هم چنین «مراحل مقابله با بی عدالتی سازمانی» را این گونه تبیین می فرماید: «ای مؤمنان! هر کس تجاوزی را بنگرد و شاهد دعوت به منکری باشد و در دل آن را انکار کند، خود را از آلودگی سالم داشته است و هر کس با زبان آن را انکار کند، پاداش داده خواهد شد و از اولی برتر است و آن کس که با شمشیر به انکار برخیزد تا کلام خدا و گفتار ستمگران پست گردد، او راه رستگاری را یافته و نور یقین در دلش تابیده است» (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۳).

امام علی (ع) خطاب به مالک اشتر می فرماید: «همانا زمامداران را خواص و نزدیکانی است که خودخواه و چپاولگرند و در معاملات انصاف ندارند. ریشه ستمکاریشان را با بریدن اسباب آن بخشکان... و به گونه ای با آنان رفتار کن که قرار دادی به سودشان منعقد نگردد که به مردم زیان رسانند... در آن صورت، سودش برای آنان و عیب و ننگش در دنیا و آخرت برای تو خواهد ماند. حق را به صاحب حق، هر کس که باشد، نزدیک یا دور، بپرداز و در این کار شکبیا باش و این شکیبایی را به حساب خدا بگذار؛ گرچه اجرای حق برای نزدیکانت مشکلاتی فراهم آورد. تحمل سنگینی آن را به یاد قیامت بر خود هموار ساز؛ زیرا تحمل آن پسندیده است» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

۱ - لکزایی، نجف (۱۳۸۰). اندیشه سیاسی محقق سبزواری. قم: مؤسسه بوستان کتاب، ص ۱۴۳.

امام علی(ع) معتقد است که مدیر، اجرای عدالت را باید از نزدیکان خود آغاز، و مراقبت کند که این افراد به دلیل نزدیکی به مدیریت، دچار رانت‌خواری نشوند و از جایگاهی که نزد مدیر دارند به نفع خود سوء استفاده نکنند. امام علی(ع) نیک می‌داند که ورود به این مقوله برای مدیر پیامدها و مشکلات گوناگونی به دنبال دارد و نیازمند شکیبایی زیاد است که این امر از طریق آخرت‌گرایی و اندیشه مدیر در زمینه عیب و ننگی امکانپذیر می‌شود که در دنیا و آخرت نصیب او خواهد شد.

عدالت بین اهل شرع و فقها عبارت است از: ملکه‌ای نفسانی که فرد را بر ملازمت بر تقوا و مروّت و امانت می‌دارد. به اعتقاد علامه بحرانی، تقوا در اینجا به معنی پرهیز از گناهان کبیره و عدم اصرار بر گناهان صغیره است. هم‌چنین اصطلاح مروّت نیز عبارت است از: پیروی از عادات نیک جامعه و پرهیز از مباحاتی که موجب نفرت افراد و پایین آمدن شأن و منزلت فرد در جامعه می‌شود.^۱

بر این اساس می‌توان گفت که مدیران و کارکنان برای تحقق عدالت سازمانی باید از «مروّت سازمانی» نیز برخوردار باشند به گونه‌ای که از روشهای مطلوب سازمانی پیروی کنند که میراث گذشتگان است.

جلال‌الدین دوانی (۹۰۸ - ۸۳۰ هـ. ق)، عدالت در اموری را که اصل و ملاک در آنها انتظام امور معاش است (عدالت در روابط با هم‌نوعان یا عدالت ارتباطی) به سه دسته تقسیم می‌کند:

- تقسیم اموال و منافع و کرامات

- معاملات و مبادلات

- امور تربیتی و تدبیری

دوانی حاصل جریان عدالت را در همه اجزای دولت و حکومت و جامعه پیدایش اعتدال و انتظام کارها و دوری از افراط و تفریط می‌داند و معتقد است چنین اعتدالی با اجرای احکام شریعت به دست می‌آید؛ ضمن اینکه هر دولتی که در آن، میان افراد جامعه و دولت، اتفاق و همدلی و طریقه عدالت باشد، دارای استحکام و ثبات و پایداری و نیز رشد و تعالی پایدار خواهد بود. جلال‌الدین دوانی معتقد است زمانی عدالت، حاکم و قاعده‌مند می‌شود و زیردستان از آن بهره

۱ - شریعتی، روح‌الله (۱۳۸۷). اندیشه سیاسی علامه شیخ یوسف بحرانی. قم: مؤسسه بوستان کتاب، ص ۵۱.

می‌برند که اولاً: حاکم خود شخصاً از حالات زبردستان و کسانی جويا شود که حق رعایت حقوق بر گردن وی دارند و این امر را به همراهان و ملازمان خود نسپارد. ثانیاً: خود به طور مستقیم حقوق افراد را در زمینه رزق و روزی، کرامات و مناصب ادا، و برای این منظور وقت معینی را برای ارباب رجوع منظور کند تا آنان بی‌واسطه، نیازهای خود را نزد وی عرضه کنند. جلال‌الدین دوانی قول حکما را در قواعد عدالت ورزیدن می‌آورد که زمانی می‌توان رفتار عادلانه داشت که حاکم، خود را نخست جای رعیت فرض کند و ارباب رجوع را در رجوع به حاکم معطل نکند؛ هر کس را که در مرتبه خود استحقاق دارد، مراعات کند و نه تنها خود ظلم نکند، بلکه تدابیری اتخاذ کند که هیچ یک از کارگزاران حکومتی را مجال ظلم به یکدیگر و مردم نباشد؛ چه اینکه به اقتضای «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» هر چه در مملکت رخ دهد، اگر کوتاهی در مدیریت آن باشد، روز قیامت از او سؤال می‌شود؛ بنابراین باید هم خود عامل عدالت باشد و هم مردم را به رعایت قوانین عدالت و کسب فضایل عادت دهد^۱.

از نظر محقق سبزواری، عملکرد عادلانه مدیریت، ویژگی‌هایی دارد که مهمترین آنها عبارت است از: زندگی به عدل، پیروی از سنت و سیرت امام اصل، کوشش در جهت دفع شرّ ظالمان، قراردادن و نگاهداشتن هر کس در جایی که استحقاق و شایستگی دارد، حفظ رعایا و زبردستان، حفظ مؤمنان و شیعیان از شرّ طغیان و استیلاي کفار و مخالفان دین، ترویج دین و مذهب، تقویت اهل علم و تقوا و دین، دفع اهل باطل و بدعت و تلبیس، قطع طمع از اموال رعایا، پرهیز از مصرف اموال و وقت مردم در امور لهو و فسق، به‌جا آوردن امر به معروف و نهی از منکر، کوشش در تأمین امنیت راه‌ها و گماردن کارهای مملکتی به افراد کاردان. از نظر محقق سبزواری، عدالت وقتی محقق می‌شود که حاکم، این امور را انجام دهد:

- از حال رعایا غافل نباشد
- از اطراف و جوانب ملک و حوادثی که در آنها اتفاق می‌افتد باخبر باشد
- حق مظلومان را از ظالمان بستاند
- ظالمان را طبق قانون حق تنبیه کند تا باعث عبرت دیگران شود.
- اگر ظالم، منصب و مقام دارد، باید که ظالم را از منصب عزل کند و او را از اعتبار بیندازد و به

۱ - یوسفی‌راد، مرتضی (۱۳۸۷). اندیشه سیاسی جلال‌الدین دوانی. قم: مؤسسه بوستان کتاب، ص ۸۶ و ۱۱۲ و ۱۱۳.

او توجه و التفات نکند.

- روزهایی تعیین کند تا مردم بتوانند عرایض و مطالب خود را به عرض او برسانند. تعیین کسانی برای دادرسی از این امر کفایت نمی‌کند چه ممکن است مردم از همان مأموران شکایت داشته باشند.

- ترک راحت‌طلبی. هم‌چنانکه کار آخرت با راحت‌طلبی به دست نمی‌آید، کار دنیا نیز چنین است. در عزل و نصب عمال و ارباب مناصب، اندیشه‌ها باید کرد و مشاورات باید کرد و به حقیقت‌ها باید رسید... و در تعمیر مملکت، دادرسی مظلومان و تأدیب ظالمان سعی باید کرد و اینها همه مشقت و آزار دارد و با راحت و فراغت بسیار جمع نمی‌شود.

- به سخن خوشامدگویان و چاپلوسان توجه نکند و سعی کند از حقیقت هر چیز به قدر امکان باخبر شود.

- کسانی به منظور دادرسی تعیین کند!

عدالت در اسلام، رکنی مهم به شمار می‌آید. در قرآن کریم، ده‌ها بار در باب عدالت‌ورزی سفارش شده است؛ اما این به عدالت رفتار کردن از نظر قرآن، جنبه‌های متعددی دارد: عدالت میان خود و مردم و عدالت میان خود و خدا. به هر روی با بررسی آیات قرآن و سیره و سخنان پیشوایان اسلام در می‌یابیم که عدالت از مهمترین بنیانهای هر جامعه است. قرآن نیز هدف برانگیختگی پیامبران و به طور کلی حکومت نبوی را عدالت می‌داند (حدید/ ۲۵). در اسلام برپا کردن جامعه‌ای آرمانی و مطابق با فرمانهای الهی جز از راه عدالت میسر نیست. بنابراین به تمام پیروان خود دستور اکید داده است که صرف نظر از هر نوع امتیازی از قبیل رنگ، نژاد، ثروت، مقام و نسب و... بین مردم با عدالت و دادگری رفتار، و از ایجاد اختلاف و تفرقه خودداری کنند؛ لذا همان‌گونه که خداوند متعال، عالم را عادلانه مدیریت می‌کند و تمامی انسانها بویژه اداره‌کنندگان جامعه از پیامبران گرفته تا کارگزاران را به عدالت‌ورزی امر می‌کند، مدیریت بر مبنای عدالت باید اصلی بنیادی در سرلوحه اقدامات مدیران جامعه اسلامی قرار گیرد.

سید محمد مقیمی

moghimi@ut.ac.ir